



رحمان حسین زاده

است برای تغییر تناسب قوا در میان این دو جناح و به معنای دقیق‌تر جدال بر سر دستیابی

صفحه ۲

جدال بر سر "انتخابات" یا دستیابی به نقطه تعادل جدید؟

مصاحبه ایسکرا با رحمان حسین زاده

این رژیم هم از قدیم انواع و اقسام صافیها و فیلترها گذاشته‌اند، تا خودی‌ترین خودیها سر از صندوق رای در آورند. اتفاقی که افتاده است، اینست که بار دیگر مضمحلکه "انتخاباتی" مجلس ظرفی شده برای تسویه حسابهای جناحی. جنگ و جدالی اگر در کار

استعفا کرده‌اند. نظر شما در مورد این وضعیت چیست؟
رحمان حسین زاده: واضح است جنگ و جدال بر سر "انتخابات" نیست. چون همگان میدانند در جمهوری اسلامی "انتخاباتی" در کار نیست. در چارچوب قالب‌ریزی شده جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن حتی برای خودیهای

ایسکرا: جدال دو جناح رژیم بر سر "انتخابات مجلس اسلامی" اوج گرفته است. شورای نگهبان "صلاحیت" نامزدهای "اصلاح طلبان" را وسیعاً رد کرده است. بخشی از نمایندگان جبهه "دو خرداد" در مجلس تحصن کرده و استانداران کشور تهدید به



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

کار کل حکومتشان را باید یکسره کرد
صفحه ۴

تحصن در مجلس، عواقب و اهداف آن؟

انتخابات و تناقضات هر دو جناح رژیم داده است. تاکنون جناح راست هر نوع خفت و خواری را بر دو خردادها تحمیل کرده اند و جیک شان در نیامده است، آنها را زندانی کردند، "افشا" کردند، اما اینها حتی با رد وسیع صلاحیت شان برای خدمت بازم بیشتر، تحمل شان ته کشید و دست به تحصن زده اند؟! چرا تحصن شد، چرا در این سطح وسیع کاندیدها رد صلاحیت شدند؟ مگر این دو جناح رژیم نمی دانند که چقدر اوضاع در ایران حساس است و مردم در کمین هر دو نشسته اند و هر یک از این دو اقدام به تنهایی می تواند اوضاع را بر هم بریزد؟ علت، در پیشروی مردم و محدود شدن میدان مانور آنها و بن بست هر دو جناح، خفته است. چاره ای ندارند، آن یکی فکر می کند با گوشه گیر کردن دو خرداد مرهمی را بر این درد بگذارد و نفسی بکشد، دیگری تحصن می کند و دادش به هوا می رود و بخاطر رد کاندیدها و بر ملا شدن حقه انتخاباتی و بی اعتباری مجلس بر سرو روی خود می زند. اما این بیان ظاهری قضیه است، حذف تا

از جمله شعبده بازی انتخاباتی کابوسی شده است برای این رژیم. امکان اینکه در یکی از چنین مقاطعی کنترل اوضاع بکلی از دست رژیم خارج گردد همیشه وجود داشته است. این تحصن و تهدید به استعفا ۲۴ وزیر و استاندار، اعلام حمایتی جبهه مشارکت از این تحصن و نطق دو پهلو و نسبتاً تهدید آمیز دیروز خامنه ای (۲۲ دیماه ۱۳۸۲) که گفته بود: «با بهانه گیران تشنج طلب مقابله کنید»، وقوع این امکان را بیشتر کرده است. در چنین شرایطی مردم و حزب کمونیست کارگری ایران باید آماده باشند، دعوی اینها را به خودشان بسپارند و صف خود را در مقابل کل آنها سازمان دهند. تحصن نمایندگان و دخالت هدمند رسانه های دروغپرداز بین المللی به منظور استفاده از این فرصت برای دمیدن روحی به لاشه نیمه جان «اصلاح طلبان»، بعد دیگری را به مسئله



مجید حسینی

تحصن ۸۰ نفر از نمایندگان مجلس اسلامی، در اعتراض به رد صلاحیت کاندیدهای نمایندگی مجلس هفتم از طرف شورای نگهبان، بیش از هر چیزی نشانه خرابی وضع رژیم عجز و ناتوانی آن در خلاصی از بن بست فعلی و مبارزات مردم برای به گور سپردن آن است. سالها است که برنامه و مراسم و تجمعیهای خود رژیم

پیوند قلبها؟!
در باره "همایش جمهوریخواهان"

ایرج فرزاد
صفحه ۳

یک فاجعه انسانی دیگر!

صفحه ۳

صفحه ۲

ایسکرا

iraj_farzad@yahoo.com

سردبیر: ایرج فرزاد

فکس: 00448701687574

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

چهارشنبه‌ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر- ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت:

www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال:

سیاوش دانشور

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

«تحصن در مجلس»

این درجه دو خردادیها فلسفه وجودی کل پیکره رژیم را زیر سوال می برد، «خطر» خیزش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی را شتاب می دهد. وحشت از این خیزش و از این عوارض کشمکش جناحهای رژیم، دوحردادیها را به تکاپو انداخته و جناح راست را به این اقدام کشانده است. نفس انتخابات و کاندیدها در این ماجرا مسئله ثانوی اند، در ته این داستان، اصل حفظ نظام و عبور بدون سقط شدن از این مرحله است. فشار اعتراضی مردم بالا است، امکان اینکه سیر این ماجرا و پینه و وصله کردن آن از کنترل هر دو جناح خارج گردد وجود دارد و در چنین شرایطی احتمال استفاده جناح راست از نیروی نظامی برای تسلط بر اوضاع و اعلام شرایط فوق العاده یکی از احتمالات است.

تحصن نمایندگان حرکتی عوامفریبانه و آخوندی است برای دفاع از خودشان و کشیدن مردم به پای صندوقهای رای، مگر همین نمایندگان چهار سال

پیش بدون دزدسر به درون این مجلس نخزیدند و در این مدت چه گلی بر سر مردم زده اند؟ در مدت زمامداری این آقایان و تنی چند از "بانوان" اسلامی، فقر و فلاکت، بیکاری، اعتیاد، اعدام و سنگسار و بی حقوقی مردم بیشتر شد. همین چند روز پیش شاهد زنده به گور شدن نزدیک به ۴۰ هزار نفر از مردم بم بودیم، دنیا شاهد دزدی، تجاوز و غارت و کم توجهی دولت و بی مسئولیتی کامل رژیم به این مردم مصیبت دیده بود و این «نمایندگان» مردم و این مجلس کذایی چکاری کردند و کجا بودند؟ این تحصن و انتخابات مجلس هفتم آن و بطور کلی انتخابات در جمهوری اسلامی ربطی به مردم و منافع آنها ندارد. وقتیکه از ابتدا خود جمهوری اسلامی و قوانین اسلامیش بر این مردم تحمیل شده است، انتخابات در این نظام نمایش دروغین و حقه ای بیش نیست برای بقای عمر رژیم و وسیله ای برای سرکوب مردم. با این وجود تاکنون کدام انتخابات

آزاد و واقعی در ایران حاکمیت جمهوری اسامی بر گذار شده تا اسم این یکی را انتخابات گذاشت و به متخصصین نمره ای داد؟ آیا این مسئله احتیاجی به اثبات دارد؟ آیا لیست بلندبالایی از آن سازمانها و احزابی که بردن نامشان در ایران مساوی است با زندان و شکنجه و اعدام تا چه رسد به آزادی فعالیت، نمایانگر "انتخابات" و حق رای مردم است؟ اگر این انتخابات است، این همه فیلتر و هفت خوان رستم، شورای نگهبان و مراجع چهارگانه تایید صلاحیتها و آه و فغان محافل پراکنده دوحردادی از حذف نامزدهای انتخاباتی و رد صلاحیت معتمدین نظارت بر انتخابات و تحصن برای چیست؟ وقتی این رژیم برای مهره ها و سازماندهندگان اصلی این ماشین کشتار و جنایت اسلامی «اصلاح طلب» شده امروز فیلتر گذاشته است، انتظار خیری از خلقت این پروسه مسخره برای جوانان، زنان، کارگران و مردم در ایران هست؟ مگر در نظام سرمایه آنها با سرکردگی یک مشت آخوند و راهزن اسلامی، برای کارگر، دانشجو و مردم کوچ و بازار

امکان نامزد شدن هست؟ نامزدی در انتخابات به پول هنگفت، داشتن پارتی، رشوه خوری و رشوه دادن، داشتن سوابق تأیید شده و توانایی در عوام فریبی و سرکوب مردم و شیره مالیدن بر سر مردم نیاز دارد تا آن وقت شانس گذشتن از هفت خوان حضرات را پیدا کرد. خود تحصن کنندگان در بند یک بیانییه هدف خود را از تحصن به روشنی گفته اند: «نمایند اجازة دهند که «مشروعیت نظام» در اثر نگرش های محدود و گرایش های خاص سیاسی و سلیقه ای با بحران مواجه شود». پس هدف از هیاهوی تحصن و انتخابات مجلس هفتم حفظ مشروعیت رژیم و رفع بحران از آن است. همانطوریکه گفتم انتخابات و رد کاندیدها فرعی است شکل بروز ماجرای دیگری است و جناح راست گندش را در آورده است و الا چنین حرکت عوامفریبانه ای از دوحردادیها، این قهرمانان رذالت و خفت در تاریخ ایران، بعید است. تحصن و ماجرای «انتخابات» و مجلس شورای اسلامی، داستان سلب حقوق از مردم و تقلای مشروعیت دادن به یک نهاد

میخواهد تناسب قوا را در مجلس اسلامی تا حدی تغییر دهد که خودشان دست بالا پیدا کنند و "دوم خردادیها" را به موقعیت تضعیف شده "اقلیت" و اپوزیسیونی برانند. جناح مقابل هم در بهترین حال حفظ وضع موجود را میخواهد. جست و خیز و تحصن و تهدیدات آنها در خدمت این هدف است. فعلا و در دور اول جناح راست با حذف وسیع نامزدهای طرف مقابل، با توپ پر به میدان آمده است، تا در مرحله بعدی و در تجدید نظر احتمالی بعد از دخالت و اندرزهای "رهبر"، به دو طرف، شورای نگهبان اگر تجدیدنظری هم کرد، اگر رد صلاحیت تعدادی از عناصر "دوم خرداد" را هم لغو کرد، اگر به نقطه سازی رسیدند، کماکان موقعیت برتر جناح راست و موقعیت تضعیف شده "اصلاح طلبان" را تثبیت کرده باشد. به نظرم "دوم خردادیها" به چنین موقعیت جدیدی تن میدهند، چون اینها چیزی برای تصرف ندارند، به قول منصور حکمت "برای اینها اصلاحات

نه آلترناتیوی در مقابل تداوم نظام تاکنونی، بلکه آلترناتیوی در برابر سرنگونی است" همین موضوع و نفس ماندن در صحنه بنا به مصالح حفظ "نظامشان" این را به آنها حکم میکند. **ایسکرا:** مردم چه نقشی میتوانند ایفا کنند؟ شما چه سیاستی را تعقیب میکنید؟ **رحمان حسین زاده:** به نظرم فرصت مهمی برای تعرض و جهش اساسی جنبش اعتراضی مردم پیش آمده است. جنبش سرنگونی، مردم آزادیخواه و حزب کمونیست کارگری از تعمیق شکاف بالای جمهوری اسلامی میتوانند و باید به نفع مبارزه برحق خود و در جهت سرنگونی این رژیم با تمام توان استفاده کنند. آن دوران تمام شده که در جدال جناحها مردم "جبهه موسوم به دوم خرداد" را بر جناح مقابل ترجیح دهند. مردم مستقیما و به منظور سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی به میدان آمده اند. وقایع ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر تابستان گذشته به خوبی نشان داد، کارگران، زنان، جوانان

مصاحبه ایسکرا با رحمان حسین زاده

(ادامه از صفحه ۱)

به نقطه تعادل جدید در موازنه نیرو بین این دو جناح است. در هر حال اما این مسئله به یک بحران جدی جمهوری اسلامی تبدیل شده و فرصت دیگری ایجاد شده تا جنبش سرنگونی و کل مردم ایران کلیت رژیم و هر دو جناح را به لبه پرتگاه سوق دهند.

ایسکرا: آیا جناح راست قصد حذف جناح مقابل را دارد؟ در نظر دارد قدرت را در جمهوری اسلامی یکسره و تک جناحی کند؟ چشم انداز این کشمکش را چگونه می بینید؟

رحمان حسین زاده: به نظرم بعید است در این مرحله جناح راست قصد یک کاسه کردن قدرت و حذف کامل جناح مقابل را داشته باشد. نه اینکه آن را نمیخواهد و یا آرزویش نباشد. مسئله بسادگی اینست، فعلا به صلاحشان نیست، اینها بارها گفته اند که "دو بال نظامند".

و کل مردم آزادیخواه ایران متنفر از هر دو جناح رژیم، به چیزی کمتر از سرنگونی جمهوری اسلامی رضایت نمیدهند. در این شرایط و بعد از فاجعه زلزله بم و با تلنبار شدن تنفر و انزجار عمیق مردم، مسئله "انتخابات" و جدال دو جناح بر سر آن بهترین فرصت را به مردم و جنبش سرنگونی و نیروهای آزادیخواه داده پا به میدان بگذارند و کار این رژیم را یکسره کنند. حزب کمونیست کارگری مردم را به گسترش اعتراض علیه جمهوری اسلامی و به تبدیل مناسبت "انتخابات" مجلس اسلامی" به اقدام اعتراضی گسترده علیه بختک سیاه اسلامی فراخوانده است. این مناسبت میتواند به نقطه عطف پیشروی مردم علیه جمهوری اسلامی تبدیل شود. دوران تعیین تکلیف نهایی با این رژیم فرا رسیده است. مردم و حزب کمونیست کارگری همگام میتوانیم به این رسالت تاریخی جامه عمل بپوشانیم.

اول کودکان

کمپین بین المللی دفاع از حقوق کودکان یک فاجعه انسانی دیگر

جان کلام این است که کودکان نجات یافته از زلزله دهشتناک بم بازم طعمه بازار حریص سود آوری حاکم بر جامعه ایران شده‌اند. سران دولت جمهوری اسلامی و مشخصاً سازمان بهزیستی و سپاه پاسداران که رسماً مسئولیت رسیدگی به زلزله زدگان بم را بر عهده دارند مسئول مستقیم این فاجعه انسانی هستند.

دولت جمهوری اسلامی با پیش کشیدن قوانین ضد کودک حاکم بر جامعه حتی تلاش امدادگران و بنیادهای مردمی حمایت از کودکان را بلوکه کرده است و امکان همیاری مردمی در این زمینه را کاملاً مسدود کرده است.

در زمانی که خود مسئولین حکومت اعلام میکنند که در بیمارستانها رسماً کودکان مثله

آمار غیر رسمی ۲۰۰۰ هزار کودک و آمار رسمی ۵۰۰ کودک ربوده شده بعد از فاجعه زلزله بم را اعلام میکنند!

«روزنامه شرق منتشره در ایران» این درحالی است که آقای راه چینی رئیس سازمان بهزیستی که طبق همین قوانین جاری اسلامی مسئولیت حفاظت از این کودکان را بر عهده دارند اعلام میکنند که افراد

کودکان بی سرپرست را به مراجع بین‌المللی اعلام کنند. فوری‌ترین تلاش ما این است که امکانات زیستی و امنیتی و رشد و پرورش این کودکان را با بالاترین استانداردهای بین‌المللی فراهم آوریم. نسبت به این فاجعه سکوت نکنید و برای کسب اطلاع بیشتر و نجات جان کودکان در این زمینه با ما تماس بگیرید.

سیاوش مدرسی

رئیس دفتر ایران اول کودکان
۱۰ ژانویه ۲۰۰۴
اطلاعات تماس با دفتر ایران
اول کودکان:

تلفن:

۰۰۴۹-۹۲۵ ۴۶ ۳۸ ۱۷۲-۰۰۴۹

ای میل:

siamodarresi@yahoo.de

سایت:

www.childrenfirstinternational.org

میشوند و اعضای بدنشان بفروش میرسد، صحبت از باندهای غیر رسمی سو استفاده از کودکان یاوهای بیش نیست. اینها رسماً اعلام میکنند که در بیمارستانهای تحت نظارت خودشان و در روز روشن این تبهکاری هولناک اتفاق می‌افتد. دولت جمهوری اسلامی مسئول مستقیم این فاجعه انسانی است و باید به‌همین عنوان مسئولین آن محاکمه و پاسخگو باشند. دفتر ایران اول کودکان تمام انسانهای آزادیخواه و بنیادهای حامی کودک و حقوق بشر را فرا میخواند که برای نجات جان این کودکان راساً وارد عمل شوند و اجازه ندهند که بازماندگان کوچک این فاجعه عظیم انسانی بیش از این طعمه باندهای تبهکار کودک ربائی و سیستم کودک ستیز حاکم بر ایران شوند.

سازمان بهزیستی و مسئولین جمهوری اسلامی موظفاند که در اسرع وقت لیست کامل کلیه

◀ تحسن در مجلس

دفاعی است بی قید و شرط از مجلس هفتمی که هنوز تشکیل نشده و ترکیب نمایندگان آن ناروشن است. ته این موضعگیری حکیمانه خانم عبادی دفاع از جمهوری اسلامی خفته است. اما کار از اینها گذشته است، خانم عبادی نمی تواند دردی را دوا کند، وحشت سرتاپای رژیم را فرا گرفته است و فراموش نکرده اند که نزدیک به نود درصد از واجدین شرایط حق رای در انتخابات چندی پیش شورای شهر تهران شرکت نکردند. مردم انتخاب دیگری کردند، و آن انتخاب مردم کابوس رژیم است. در اعتراضات ۱۲ خرداد تا ۱۸ تیر در دانشگاه و در خیابانهای تهران و در مبارزات ۱۶ آذر با بلند کردن شعار آزادی و برابری، بار دیگر این ماجرا و این انتخاب تکرار شد. مردم رای خود را نه تنها برای به گور نهادن این رژیم دادند، بلکه تصویری از نوع انتخاب و توقعی که از حکومت آتی و زندگی آینده خود دارند به جهانیان اعلام کردند. در آن دور از

به یک مسئله حاد سیاسی و چهار چوبی که نیروها و جناحهای درون حکومت در قالب آن کمپین سیاسی خود را به پیش می برند، دخالت فعالانه می کنیم. در پس این جریان دشمنان مردم و مداحان رژیم به خط شده اند تا شکست گذشته خویش را جبران کنند، مبارزات انقلابی مردم را مهار و به سمت دیگری کانالیزه نمایند و در موقعیت خویش در برابر مردم و کمونیستها تغییری ایجاد نمایند.

خیل دو خردادیهای داخل و خارج حکومت دارند نزول اجلال خانم شیرین عبادی به میان متحصنین را به کمک می گیرند و در بوق و کرنا کرده اند که بله: «خانم شیرین عبادی به مجلس می رود». قبلاً هم خانم عبادی گفته بود که «مجلس ششم از صدر مشروطه تاکنون بی نظیر بوده است». دفاع و قضاوتی که ایشان از مجلس ششم کرده است، حتی خود نمایندگان از آن ندارند. این دفاع خانم عبادی دفاع صرف از مجلس ششم نیست،

مبارزات شعار فراندوم فراندوم و پروژه خانم عبادی خنثی شد و حزب کمونیست کارگری در انتظار جامعه به جای دیگری رفت و حال در صدد جبران آنند. حرکت کنونی جمعی از نمایندگان مجلس و تبلیغات موافقان شرکت در انتخابات و تحریم کنندگان آن به دور یک پایه و منفعت عمومی مشترک می چرخند، آنهم تبدیل کردن شعبده بازی انتخابات به مسئله جامعه، حفظ تقدس نهاد مجلس، تجزیه نیروی مبارزاتی مردم و به هرز بردن آن است. نفس انتخابات مجلس هفتم و دروغین بودن آن در این شرایط یکی از محورهای افشاگری ما و شاید کمتر مهم آن در این دوره است. افشای اهداف این تحصن و عواقب احتمالی آن، آمادگی سریع دخالت حزب، گسترش مبارزات مردم و هدایت آن برای سرنگونی رژیم، میدان ندادن به نیروهای راست اپوزیسیون و گرفتن ابتکار عمل در دست حزب و به صحنه آوردن نیروی مردم محورهای اصلی است و اهمیت بسزایی دارد.

۱۳ ژانویه ۲۰۰۴

پیوند قلبها!؟

در باره "همایش جمهوریخواهان"



ایرج فرزاد

"شهری"، آقای مسعود بهنود در باره "همایش جمهوریخواهان در برلین" در تاریخ ۲۱ دی ماه ۸۲ چنین نوشته است: "... آری چنین است و هرکجا که ایرانیان جمع میشوند در دلشان هوای آزادی وطن است اما... از اوایل قرن بیستم که مهاجرت و سفر ایرانیان به خارج از سرزمین خود معمول شد بیشتر مواقع شعارها و سخن ها چنان از معدل گفتگوهای داخل کشور فاصله می گرفت که انگار از جهانی دیگری آیند. تند و قاطعانه و مطلق. ادبیات حاکم بر جلسات و دیالوگ خارج کشوریها در همه دوران سلطنتی و هم در بیست سال اول عمر جمهوری اسلامی چنین بود. سرنگون باد، مرگ بر... اما چندان

در باره همایش جمهوریخواهان، افراد و سازمانهای شرکت کننده در آن چیز زیادی جز آنچه خودشان در این باره گفته اند، نمیشود افشاگری کرد. روزنامه نگار

◀

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

کار کل حکومتشان را باید یکسره کرد!

با تصفیه دوم خردادیها از لیست کاندیداهای دوره هفتم مجلس اسلامی توسط شورای نگهبان، نزاع درونی حکومت اوج تازه ای گرفته است. جناح راست تقریباً تمام کاندیداهای دوم خرداد را رد صلاحیت کرده و قصد دارد تماماً حضور رسمی آنها در حکومت و در مجلس اسلامی را پایان دهد و به این ترتیب به مرگ دوم خرداد رسمیت بخشد. در این میان دوم خردادیها هم مستاصل و مانده از همه جا، دست به دامن خاتمی و رئیس مجلس اسلامی شده اند و در صحن مجلس به تحصن نشسته اند. این پله دیگری در تشدید بحران حکومت اسلامی و جنگ قدرت در درون حکومت است که فضا را برای تعرض مردمی که از سرپای این حکومت و جناحهایش منجرند، بیشتر گشوده است.

مردم ایران از هردو سوی این نزاع منجرند و مترصد فرصتند تا به حاکمیت تمامی این جانباختگان پایان دهند. اعتراض مردم به حذف مشتی مرتجع در مقابل مشتی مرتجع دیگر از همان قماش و از همان حکومت نیست. اعتراض مردم به کل حکومتی است که هرگونه آزادی و رفاه را از آنها سلب کرده و مبارزه و خواستهای برحق آنها را به خونین ترین شیوه در هم کوبیده است. ما بارها اعلام کرده ایم که نه این مضحکه های انتخاباتی را میتوان انتخابات نامید و نه هیچ دار و دسته جمهوری اسلامی نماینده ذره ای از خواستهای مردم است. اهمیت کشاکش کنونی تنها از زاویه فرصتی است که این شکاف تازه برای گسترش جنبش سرنگونی مردم فراهم ساخته است.

واضح است که رد صلاحیتها از طرف جناح راست برای جمع و جور کردن ماشین حکومتی در

برابر جنبش سرنگونی و مقابله با انقلاب مردم صورت میگیرد. اما حکومت اسلامی چنان منفور و منزوی است و چنان در بحران عمیقی فرورفته است که امکان یکپارچه کردن صفوف در هم ریخته اش را ندارد. وقت آن است که مردم تشنه آزادی، مردم تشنه رفاه و زندگی انسانی بپا خیزند و به بساط این جنایتکاران و مرتجعین خاتمه دهند.

حزب کمونیست کارگری، کارگران، جوانان، زنان و مردم آزادیخواه در سراسر کشور را به گسترش اعتراض برای در هم کوبیدن بساط حکومت اسلامی فرامیخواند. کل مضحکه انتخاباتی حکومت را باید به صحنه مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی تبدیل کرد. نزاعهای بی پایان و رشدیابنده دار و دسته های حکومت اسلامی راه را برای گسترش اعتراضات ما هموارتر کرده است. برخیزیم و کارشان را یکسره کنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی برابری حکومت کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ دیماه ۱۳۸۲ - ۱۲ ژانویه ۲۰۰۴

« پیوند قلبها! »

که موج اصلاح طلبی مردم ایران در دوم خرداد برخاست و گفتمان درون را دیگرگون کرد، آری صدای قلبها را به هم رساند. انگار سد درون و بیرون - دیدم که در برلین - که برداشته شد (مسعود بهنود، در برلین چه گذشت. یکشنبه ۲۱ دی ۸۲)

همین اند! صدای قلب ارتجاع اسلامی را در "درون و بیرون" به هم رساندند. اما در این میان اتفاقات دیگری هم افتاد: آقای فرخ نگهدار که در درون سازمان برخاسته از انقلاب اسلامی به "راست" معروف بوده و گویا پست رهبری سازمان اکثریت را از او گرفته اند، در این همایش گل کرد و به راس پرتاب شد. سازمان اکثریت که در کنگره هفت خود به "برکناری" رژیم اسلامی رسیده بود، امید زیادی، به عبث، به این بسته بود که شاید بتواند با قدری فاصله از جمهوری اسلامی، آنهم در دوره ای که یاران حکومتی شان و رهبر فکریشان، حجاریان، ندای "اصلاحات مرد" را سر داده بود، از جناح "حکومتی" دوخرداد عقب نیافتد. همایش، این "چپ" را در اقلیت تثبیت کرد و اینها در مجموعه ای از یاس و افسوس و زانو بغل کردن، فقط نظاره گر بی خاصیت باقی ماندند. آیا واقعا "توهمی" در کار است؟ بهیچوجه! منشا تولد اپوزیسیون

پرو رژیم و از جمله آنها اکثریت، به قدرت رسیدن اسلام سیاسی در جامعه ایران است. این پدیده با همه جنایات جمهوری اسلامی شریک شد و آنگاه که خود مثل دیگر شرکای مغضوب رژیم، قربانی شدند، رژیم اپوزیسیون اینها شد. ضربان قلب اکثریت و امثال فرخ نگهدار و محسن حیدریان و همین جناب بهنود با ارتجاعی که یک ربع قرن است در "داخل" کشتار میکند، فقر تولید میکند و مسبب و بانی فلاکت مردم ایران است همواره هماهنگ و در هارمونی زده است. اینها با رژیم اسلامی زاده شدند و با رژیم اسلامی هم میروند، خونشان درهم آمیخته است و تاریخشان به هم پیوسته است. با ساقط شدن حکومت یک مشت جانی اسلامی، قلب "خارج کشور" رژیم نیز از حرکت باز خواهد ایستاد. پدیده عجیب الخلقه و منفور و متعفن "اپوزیسیون پرو رژیم" در کنار دایناسورهای دوران وحشت و ترور و خفقان اسلامی، همراه با بقایای "حوزه های علمیه" ناکام از رسیدن به اهداف ضدانسانی و رویاهای جنایتکارانه خود، سقط خواهد شد. این را مبارزه مردم ایران و اراده و تصمیم حزب کمونیست کارگری با بزیر کشیدن رژیم اسلامی تضمین میکنند.

کمپین پشتیبانی از کارگران پتروشیمی اطلاعیه شماره ۶

اتحادیه کارکنان بیمارستانهای کانادا از کارگران پتروشیمی حمایت کرد

در ادامه کمپین حزب کمونیست کارگری ایران برای جلب حمایت از کارگران پتروشیمی "فرد میوزین" رئیس اتحادیه کارکنان بیمارستانهای کانادا در نامه ای به اصغر کریمی حمایت خود را از مبارزات کارگران پتروشیمی ابراز داشت. در قسمتی از این نامه اینطور آمده است: "برادر عزیز اصغر کریمی وقتی کارگران نفت در سال ۹۶-۹۷ مجبور به اعتصاب شدند، عزم و استقامتشان مورد پشتیبانی جنبش کارگری بین المللی قرار گرفت. جنبشی که میدانست که مبارزه برای حقوق کارگری در سراسر کره زمین مبارزه ای مشترک است. امروز همین کارگران نفت مجبور به اعتصاب مجدد با شرایط دشوارتری شده اند. بیکاری میلیونها ایرانی را در بر میگیرد بدون اینکه از بیمه بیکاری برخوردار باشند. و حقوق پایه ای کارگران، از جمله حق تشکل در اتحادیه ها و قرارداد دسته جمعی، از آنان سلب شده است" در قسمت دیگری از این نامه گفته شده است: "از طرف ۴۵ هزار کارکنان عضو اتحادیه بیمارستانها، همبستگی خود را با مبارزات کارگران پتروشیمی در ایران اعلام می دارم. ما در مبارزه این کارگران سهیم هستیم و از خواسته های آنها، یعنی امنیت شغلی، بیمه بیکاری و حق بی قید و شرط تشکل و اعتصاب کاملاً حمایت میکنیم."

یاد آوری کنیم که اعتراضات کارگران پتروشیمی همچنان ادامه دارد. کارگران پتروشیمی اراک روز ۱۷ دیماه در سالن غذا خوری این مجتمع دست به تجمع زدند و اعلام کردند که روز سه شنبه ۲۳ دیماه مجدداً تجمع خواهند کرد. حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران و سازمانهای انسان دوست را به حمایت از کارگران پتروشیمی فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ دیماه ۱۳۸۲ - ۱۲ ژانویه ۲۰۰۴